

حضور محترم جناب حضرت آیت الله العظمی طالقانی

با عرض سلام، اینجانب قره اندی از مردم بختگاه عفوئی متعلق به بعد عفوئی خود در و سرپرست

خانک منصور سلوکی تا مدت است سال در بختگاه مذکور بابت سرپرستی خودت کرده ام و هر آنکه خوارام

کلیت بختگاه بوده ام در تمام احوال محترم بشیرین حقوقی که در بختگاه مردم مبلغ ۶۰۰۰۰ ریال بوده است مبلغ فوق نیز

توسط آن زن تربیت بدنی پرداخت شده در صورتی که خودی در سر بختگاه آن زن بختگاهی عفوئی که من میداد

و شایسته غلامان خان و حاجی کانی در وقت سرپرستی خودی و عفوئی می پرداختند و هر یک هم حاجی با بختگاهی در وقت

حضور همه حضور بود در وقت سرپرستی خودی بختگاه است المال و کفایت می کردند و بختگاه نیز خودی در

حیات عفوئی که از ششم و هفتاد الی هجدهم حقوق از ارباب و بختگاهی به مالی وقت بود اعلام نمود به من

عفوئی آنرا که در وقت سرپرستی خودی بختگاهی که ارباب از بختگاهی حقوق صرفت بختگاهی از آن زن تربیت بدنی

وزارت دربار بختگاهی و حاجی کانی است که در روزی و در عین حال حقوق مردم مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال توسط تربیت

بدنی پرداخت شد ۶۰۰۰۰ ریال صادره همچنین در ای در بختگاهی بود از طلبه خوانای آن استفاده مردم عفوئی خودی

است ای زن آن است و خدایت کرده در بختگاه سرخست اسلام و در این باره روشی خاطر دارم از تربیت بدنی که سرپرست

در عین و آن عفوئی زندگان در این اسلام بختگاهی است که عفوئی تربیت بدنی مردم استفاده می کرد و هر چه

حکایتی با بختگاهی مردم در بختگاه که من میداد بختگاهی که قائم و مجازه می آید آورد و شروع کرد و بختگاهی که

که اینها با همی و محمد خاں نام برد است ^{مرا} عبد خاں بودند و لوگم نوزاد او فرزندان

زندگی بقوا نموده و منتهی از آنکه هم و این در حالی است که این است در بعضی معنیها

کردیم و بر او قسم خفتیم که ما در وضع پایداری هم ندانیم یعنی هم و نه منتهی داریم و نه وضع در آمدی و

حال آری خاوند قتل زهنت اسلامی و مردمی ایران تحت لای زعم عالمه و می دهد و تسبیح

خفت است الله العظیم زین الامم خفتی بر او است و عظم و عفت از این پیرزاده است و

حیاتها که و خندان و خوندنند و کارد داده و عمل اسلامی محکم می کند و حقوق مسلمین نظام داشته و هرگز

و کس که می کند و همین دلیل است که حال غرور و فریب سران انقلاب دستگیر است که

استعدایم تقاضای انجمن بر جهت رسیدگی به حقوق مسلمین و حقوق هم رسیده بود و هرگز

اصل کرد داده و عمل اسلامی در عنوان می و می رسد و از خنده و خندیت این شخص جانبدار

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

خاں و خاوند بر شکر است دهه

خوفت که از خدا هم و با اسی

۱۳۵۵ رابع هم حیات

شعبان خاوی